

یک تکریف از اصلهای

پیشنهاد مضحک

چند ورز است و پس از اعلام شهربانی اسلامیان بسط شد
بر سر این نظام امنیتی اداره کار زندگانی را در
طبقات اجتماعی های روزگار شکست دهد و فرماده از ظاهرا مراقب گردید
نامیره شده همان شدن موضع فوق را خواستار نمود است پس
از اعلام از این پیروزی در این مراتب احتمالهای عالی از آنها
انتظار نداشتم مواردی دارد که این اتفاق را
شورای مجتمعه کارگران اصلهان

در میان دهقانان

فراز کبده والا میاره سان کلکه^۱ تجیه
میشه خواهد رسید بلکه^۲ مسکن است
در تجیه سلی و دیزان آوری در سرمهای
پاچه داشته اگر با خوش خواسته باشید
گردید و لی دستگل کرده مطابق با خواسته
بین کوشک بدل شوید^۳ همچنان^۴ مکونه
تیغه پات تندیه شمار تندو^۵ عازمه^۶
بروی^۷ مدهان^۸ بیچ و راز حرب مادری^۹
و مایوس خواهد کرد اگر^{۱۰} اگر^{۱۱} متناسب
گردید مدهان^{۱۲} آغاز خود و لی
و مدهان^{۱۳} مدهان^{۱۴} زاده^{۱۵} ایله^{۱۶}
ترس و سوت^{۱۷} آیه^{۱۸} لر خواهد گردید
و بریله^{۱۹} مدهان^{۲۰} بیچ^{۲۱} باله^{۲۲} خواهد
برداشت^{۲۳} و دواستار^{۲۴} آلت^{۲۵} دست^{۲۶} نشود
های های^{۲۷} که خواهد شد

میتوان کنک که پکی از خطا
مالیت مادر گفتند. مرادات نگیرند
آن سهیه بود. با پیشنهاد که کامران
و یعنی دمات خواست از آنکه پایانی را
اصحایه دهندان بنگذارند چون اساساً
سرادت و او رسیده امداد خواهد شد
فرار از دادگاه و همچوں این درود
پیش نمایند که این بود بربری خود
همانند اینکه شتری و اورده و بات
غیره از تشكیل اسماهی عقابان مطلع
گردید که پوچه از آن است. پس از این
دعت دیگر دیگر دلخواه هفتمان کرد
بینه و خداوار عالی مهادم که داد
توسط و از مردم ایجاد اور ایزو غیره
هائونه می گردیده.
اما که کنایه ای را می خواست که

دھنائیں منوط کشوارا ترودھوسم
تکلیف مدد کے ہر گز باید اور
آزوہ شوہ۔ الفلاقوں کسی پر
کے خار الفلاس مدد کے بلکہ کسا
میں کے بالکل سرور دوسرا نہیں

وور تکیه کام غازی امیری برای [سخن]
آپنده درست میکنند تردد و سخن مطلع
نمیست باشد یعنی ازین تکیه کام
میباشد
و درین انشاعه همانگونه کام گزینه دید
دید که نشانیت میگردید کام خوب باشد
هدایت اطراف «لخت و پارچه»
کام گزینی «ساز اطراف خوده همچو
جارد

مفرد پاک میانه
کار گران بروج طب مانده دهد
نوج سپرده و همار های میداده
دھات پدریش و تحمل آنها را

با به رسانی کارگر مایه‌بینا این نکته
درک کش که در مدهات ایران پاک
و پنهان نمی‌کند، پرورکنند انتظار آنها
و آنها باه این دوران تصریح نمایند

در پیکه هدن به ملت خوشلے زیاده
شاسن افرادان لازم دارد و لی کاری
که باشد بیشود و خواهد نه دوست
مرحیم در از هنایدگر و ناهم که

شوش با کله خواست کرد
تصویر است که اسکان نهاده بخوان
مالی شعبت نیاز آبیه که تا گزین
مغل که
فراد

پیش از آنکه شروع گیری این پروتکل و این کار اذوکر از دوستان هزاری بگارد بود. بین جزو از نظر نظام امنیت هست بدب این را می خواهد که سلاح اسرائیلیکی مصوب بدهد.

پاک اسلام ناکیک۔ ولی امروز یہ
میتوہہ در سو رنگ کھلے پر ہلے استوارہ ایڈ
مناسیں انتخاب فرمہ میونزان از طرف دید
بخاری را تخلیل داد وابن خودہ الہ

از این طرف دیگر سه ایلی را نیز پسران
پسران میتوان ساخت.

در نظر داشت و مذاق مختلف همچو
سی سیکارهای

جان واپلی، ادامہ دھندا

صفحه‌ای از تاریخ

اکستان پس از آنکه مانند پیش
نه را چنین آورده و پس از مکالمه ثابت
و مبارزه با شرود و طبلگیری از مانع
اسالی را که خطاوت ایجاد نمایند
و که های سب دی را که از لحاظ
خواص و اقتصادی خارج امتحان نمایند
صرف کرد و این ایام ساخت ایجاد نموده
تاریخ افغانستان را از اوازه جنگ و پیخت
لشکر مومن در پیش میگردید ساخت اسلامی
مومن در پیش ایجاد نموده و این اسلامی خود
در ایام اخیر امروزه و همچنان صرف بررسی
پاوهستان راه غزوی را و روی
نزاری از این ایام از این طبق از اینجا
برای آنکه این ایام از این طبق از اینجا
نیزه همراهان شدند با پایه های
مغلن غلبه خود نموده و در دری و سایر
ساخت افرادی ایجاد نمودند
پس از اینکه در معرض
هدایت اکلبیانه در معرض
پس از آنکه فریض ۱۸۶۲
مسازی دوں افغانستان و فرانسه
فرس کرد و بظاهر مالی مانع ایجاد
آن دیگور دو موضع پذیرفت و مدد
مانع ایجاد ناشی از این کشور
باستانی فرام نموده همانکه مانع
نامزدی پس از اینکه از این دلیل
پس از اینکه در موضع

دضم یک حزب پیشوای

بیاره سپاهی و دستان باید منشکار نشون
و همانکه باشد باید بیاره سپاهی و دستان
باشد باید همانکه باشد که از
دو شترها همانکه باشد که از
که گرگان میتوانند بود گرگان نیز که
بیاره و دستان در قدری که باید باشد از
شکنی که گرگان بفرموده است باید
و دستان عی خلاص نموده تو نوشیده در مقابل
جه و سرخ و سفید و داده دار غذای از
ایساند که لیک
من گفت بیاره و دستان باید منشکار و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
شَرِيكَ الدُّجَى لِمَنْ يَرِيدُ
يَا أَيُّهَا الْمُنْذِرِ
إِنَّا نَنذِرُ إِلَيْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
وَلَا أَنْدَلَتْ نُودِيَّهَا زَادَتْ
وَلِيَوْمَتْ وَلِيَوْمَتْ هُوَ بِكُلِّ
وَجْهِهِ سَاءَتْ وَلِيَوْمَتْ هُوَ بِكُلِّ
وَجْهِهِ سَاءَتْ وَلِيَوْمَتْ هُوَ بِكُلِّ

نایاب ساخت هدم ارتباط منظر
نشکل‌گران با شهرها و نواحی هم‌دوا
مبارزه و ممانعت ممکنی به است و
سی‌توانست آن را به میانه می‌گذاشت

آن ها، پیشتر بر سرور اینکلپر افراد
تبلیغاتی میگردند و سپس انسانها را بازدید
نموده و در خروج غذای مخصوصان چهل آن جمیع
کارکنان را بازدید کرده و بروز از این اتفاقات
و اخراج غذای مخصوصه سوداواری کنند و هدف
آن تامین کنند و هدف بازدید از این مضمون
آنست که این انسانها بین شرکت و نشکنک
آنکه بهبود آنها این اتفاق را بروز
نموده و از این طرف دستورات و فرمان اخراج
آنها است.

۳۴۶ از صفحه ۳
دهد، بهین میگفت موسوایت
پرسید فرموده همان و راه بات
که ایشان از اینکه من این اندیشی
که داشتم نمایم که همان و راه
۱۹۲۱ باعث گردید و سامانه
کوکریک مسافران و خودروی کار
پوشیده بکار گرفتند و مخصوصاً
آنکه اصحاب کار کارکنان شغلی کار
و همراهان از این اوضاع پیشگیرانه
در آن راه رفتند.
احزان سیاسی در هند
هزار میان احزان گذشت
ملی کارگران و دوستایان و
کوکریک مسافران احزان کار
دو همه شغلی میهند هر کوکریک
و دوستایان میگذرد کوکریک میگذرد
کارگران و دوستایان و خودروی
کار اسلوونی سیاسی و انسانی
و همکاران است. حرب کوکریک
اسکن، از دریافت مبالغ از جایزه
موکل اکتسانس میگذرد مورد توجه به
نیازی میگیرد مددکار نموده به
خودروی سیاست دارد سایر ای
سیاسی مهندسین حرب میگذرد،
و هر آمد و
آخوند تجاه
مودار زیرین

پیش از اینکه می‌گذرد
مالکین و مسکونی داراون هم سایر
کنک و چون استفاده و آزادی را
و امام استخاره و آزادی را
نمی‌دهند با مالکین اصراریا پیش از
امداد و انتشار ملت هم هنگام
کنک، جزو ملکون که از زیرزمین
بروی شنکلندند با اسکن درون
خود از استغلال و آزادی ملت نهادند
مکونک، تلاش کنون درون و از
برده است.

بیان از احتماعی در هنر
درین طبقات اجتماعی از چون
درسته اول و درسته دوم
بیان از طبقات اجتماعی این متن
سال از نشکنند مهدیه کنک
در طول ساخته از خود بار بار
طبل ساخته کارکاره از خود
ساخته بیرونیه و رهائی از خود
اعزون سرتاسر داران از خود و میان
زیاد کنون میزان میزان متعدد و یکیه
اصحاب از خود از خود از ایالات
۱۹۹۹ تمام و اعذمه سوره ها به
میان اختره دراز کنک کنک شی
از همه اصحاب داشتند و ایشان
کنک کنک ایکنکنک در آن موقع
و من می‌نمی‌خواستم خود را
نکنکنک کنک کنک بار بار و میان
میانها و نکنکنک کنک بار بار و میان
کنک می‌نموده و باش درون هنوز
دوک کنک کنک کنک کنک میانه
که و زاده می‌نمی‌خواستند اخوات
کنک کنک در دوک کنک خود را

خواجی خود را بسته به دوستان که
نگذشتند - و در همان
آغازی از میان این میانکاران همه
با همیزی و پرورش زیادی از نیز
خواهان درون همچنان که
مکان پایدار و بازدار است همچنان که
و فاعلیتی که مردم را به سین
اصفهان از ایجادهای دشمن کرد
خواهیں بودند
ماهیت کاربردی را از این جمله
که میان اینها میان اینها میان
خواهیں بودند

امیریا لیس اکنکن یم مار
میونان دریافت - یا نام نهادیرو
که دوست اکنکن سری مالموی
این ملت پاسنی اتحاد کرد
فرگران و دوسانان یه
اضلاع دیده که استقام

اعصابی که مرتب بر طبق
امیرالبیس افغانستان در لحاظ معاشر
مردم رسم و سوت میگیرد
آنقدر که منتهی برای اینهاست

مداخلات اکلستان در
مناطق جهان
 که نیت میثاق امنیتی را
 طوریه ممدوح اوسکان و ده موزه
 مورد رو بوده مبنی معاشر لرده
 میخواستند
 ولی فرانز مورد شایسته
 سات نیشید و مسح طایله افراد
 گردید و نامه هارک ک اورا استاد
 چهارمکنونی در ازارت اولیه
 پیغامت رام معاشر لرده
 آور او باشد

فرساد را پایان خود را درج سیر
هیئت خود را مبارزه کرد
پر نایها و روای های پیش از این
حاطم خود را درود و آمد
بر عالم انتقام شد و مقتول
و هر شدنان خود را وابسته
و انتقام خود را در داد
حکایت این داستان بسیار مرسی
ماهی از مردم میگردید
و آن را همچنان که میگفتند
جذب های را بر سر میگردید
ظاهرانه میگردید
و این را همچنان که میگفتند
سوکاله ای ادارا من باشیم
وی شاهزادگان
ظاهرانه های این نوع داشت
مرس کرد و مسایل و مسایل
وا مسایل پسر و اسی پادشاه
رس مسایل موسمه در داد
داد و مسایل پسر ای ای مسایل
گردید
شاهر سخنرا ای داد و
اور یه ساس یه ساس و خوب و
شمار فردا زاده که از زن
مسایل مسایل پسر ای ای مسایل
و سوابه ای ای مسایل

شای ای شام ره
را خواهید شافت مکر
مچکو اخود را بادا
آورده بود و دنبا
دویں ارسکانها منعه
الصالح را در میر کرد
پس از این روز ای جامه ای
مچکو نهت و سمر
کو ایمه اسلامیه را
شوده را ای تکه
آیا اوریه سرمه
لندنا مند گر قدم و با
زنانه برای خوشگذری
کرد بود اور سوئن
بیشم شنیده و پاشام
گرفت
آیا سپریهون و مکر
گوشن و عکس اسلی
خودشون و معمور بود
شراط جرات میکرد
با هم در طغای و مطفو
نمیگردید ای زنی آن
مسن که هایی نمیگردید
اگرین ناظرین این
از ایشان در هر ساعت
بست شادمانه میگردید
میگشید که هر روز
شانت هایی در فرمایی
که طبله نماید ای ایکن
باب ای سویا زاره ای
خود را پاشام دهی
اگلستان پرسنای

میتوانند از میوه هایی که در این میوه ها
اوکسیتیک و دوده ها ،
که در آنها ماده ای به نام
بروکلین ایمینک مسمولات
باشد که باشد تا بزرگ شود
بله و سه ۲ کم
بلات در روزهای
مسمولات و سوالات بالای

ت از این راهات ها میتوانید
و در آن کلکت و سرو، کند
نهایت پایان این احتساب که
از اجزاء مددگار که مثل مسا
ویست که
لیکن در رساله
سروچون بعثت چنان که
استخار شده اند و خطر
آشنازی کرده اند و این
است که از اینها در مورد
آوردن نظرت برای من درست

گیری برای اینجا هم از
سوسته باشد را که ای
را ای ایسوسه اند خود را
که تواند قاتل انسانی
که نویز می شوند همیشی
ارزی پیش از اینکه کنی را داشته باشند
به همان سال میانه بخواهد
که سرمه را که پیشتر
عده ای از اینها آورده بودند
مرحله مرهم است
آزادی بخواهد و خود را آ-

مجهوس هارون نایاب است ای بازیگر کسی
که بین افراد که ایشان را بروز پنجه دارند
اعتصم ایستاده و بروز پنجه دارند
لهمو مدهم ایستاده و بروز پنجه دارند
زیره ایستاده و بروز پنجه دارند با کسی
که بین افراد که ایشان را بروز پنجه دارند
عترف باشد که ایشان را بروز پنجه دارند
از هر چیزی
دسته را
من تو
men Tois
که ایستاده

سینما و اقتصاد

